



مؤسسه مطالعات اسماعیلی

زندگی عقلانی در دوره فاطمیان

راهنمای مطالعه

فاطمیان و سنت‌های تعلیمی آنها

نوشته‌ی هایتس هالم (آی بی توریس، لندن و نیویورک، با همکاری مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی، لندن، ۱۹۹۷، ۱۳ صفحه مقدمه + ۱۰۰ صفحه متن. شابک ۱-۲۳۴-۴۳۴-۸۶۰۶۴-۱)

هایتنس هالم در نوشته‌ای به حجم کمتر از صد صفحه از زاویه‌ای به خلافت فاطمی نگاه می‌کند که به خوانندگان این مجال را می‌دهد تا بیش از پیش سنت‌های تعلیمی‌ای را که در دوره فاطمی مسلط بوده و تشویق می‌شدند درک کند. او منظره‌ای گسترده از کارهای دعوت اسماعیلی، ارتقاء آموزش از طریق تأسیس الأزهر و دار العلم و «مجالس الحکمه» که برای تعلیم عقاید اسماعیلی بر پا می‌شدند، ارائه می‌کند. او تلاش‌های عقلانی فاطمیان را در بستر اوضاع اجتماعی-سیاسی زمان و همچنین در پرتو تأکید شیعیان بر دانش و علم که به دوره‌ی امامان نخستین شیعی باز می‌گردد، بررسی می‌کند.

برای آنها که به تاریخ علاقه‌مندند و به ویژه به تاریخ اسماعیلیه تعلق خاطری دارند، این کتاب اثری است بسیار خواندنی. تأکید بر تعلیم و آموزش برای معلمان و مربیان جذاب خواهد بود به ویژه برای کسانی که دغدغه‌ی آموزش دینی و تاریخ آموزش را دارند. این کتاب، با زبان عاری از اصطلاحات پیچیده‌ی تخصصی و سبکی روان و سلیس می‌تواند اثری باشد آموزنده برای هر کسی که به تاریخ و تفکر اسماعیلی علاقه‌مند باشد.

ساختار کتاب

در فصل آغازین کتاب، «دعوت اسماعیلی و خلافت فاطمی»، هالم طرح جامعی از خلافت فاطمی ارائه می‌دهد تا پیشینه‌ای از تاریخ خلافت فاطمی به خواننده بدهد. او در ابتدا چکیده‌ای از وضعیت موجود در سوریه (محل اقامت امام مهدی بود) در قرن ۹ م. پیش از تأسیس دولت فاطمی در سال ۹۰۹ م. ارائه می‌کند. سپس او متوجه خلیفه و امام فاطمی

مهدی (و. ۹۳۴) می‌شود و آگاهی‌هایی از شرایط موجود در زمان تأسیس دولت فاطمی ارایه می‌کند. این فصل مروری کلی بر حکمرانی سه امام بعدی فاطمی دارد و با اشاره‌ای به فتح صلح‌آمیز مصر در زمان معز امام و خلیفه‌ی چهارم فاطمی (و. ۹۷۵) پایان می‌یابد.

فصل دوم، «دعوت داعیان و مجالس تعلیمی»، به تفصیل بیشتر درباره‌ی فعالیت‌های آموزشی و تعلیمی‌ای می‌پردازد که داعیان دولت فاطمی در مرحله‌ی استقرار آن در شمال آفریقا انجام می‌دهند. یکی از نکات قابل توجه این فصل بررسی روند تشرف به آیین اسماعیلی است که داعیان اسماعیلی برای جذب پیروان گروه‌های مختلف استفاده می‌کردند. توجه ویژه‌ای به دو داعی مهم در این دوره شده است، یکی ابو عبدالله شیعی (و. ۹۱۱) و دیگری قاضی نعمان (و. ۹۷۴).

فصل سوم، «فاطمیان در مصر»، چشم‌اندازی تاریخی از تصرف مصر به دست جوهر سردار فاطمی به دست می‌دهد. هر چند بیشتر بخش‌های این فصل اختصاص دارد به دوره‌ی حاکمیت و دستیافت‌های امام الحاکم (و. حدود ۱۰۲۱ م.)، توجه کافی به حاکمیت امام معز و امام عزیز (و. ۹۹۶ م.) نیز می‌شود. نویسنده هنگام بررسی دوره‌ی حاکمیت امام حاکم تلاش می‌کند بعضی از دیدگاه‌های نامطلوب را که مورخین عموماً درباره‌ی امام دارند رد کند.

فصل چهارم، «آموزش و تعلیم اسماعیلی: ظاهر و باطن»، را می‌توان قلب این کتاب تلقی کرد. این‌جا، نویسنده یکی از سنگ‌بناهای رهیافت اسماعیلیان فاطمی را به دانش و فهم دینی یعنی مقولات ظاهر و باطن را تشریح می‌کند. نویسنده از طریق تحلیل نقش قاضی نعمان به بررسی ماهیت مکمل این دو مفهوم در زمان فاطمیان می‌پردازد. هالم همچنین عقاید کیهان‌شناختی، فعالیت‌های ادبی و کارکردهای داعیانی چون حمید الدین کرمانی (حدود ۱۰۲۰ م.)، المؤید فی الدین شیرازی (۱۰۷۸) و ناصر خسرو (حدود ۱۰۸۸) را توضیح می‌دهد.

فصل پنجم، «سازمان دعوت»، مروری است بر سلسله مراتب پیچیده‌ی دستگاه دعوت در داخل و خارج از قلمرو دولت فاطمی. این‌جا باید توجه داشت که خلافت فاطمی وسعت و گستردگی جغرافیایی زیادی داشته است. در نتیجه، سازمان و هم‌چنین تعالیم دعوت وظیفه‌ی یکپارچه ساختن اصول عقیدتی و حفظ وفاداری به امامان را بر عهده داشته است.

فصل ششم، «دار العلم حاکم بامر الله»، خاستگاه‌ها و نحوه‌ی شکل‌گیری نهادی را که در زمان امام حاکم شکل گرفت و «دار العلم» نامیده می‌شد، بررسی می‌کند. نویسنده این نهاد را نهادی منحصر به فرد در تاریخ عقلانی اسلام می‌داند چون این نهاد تعلیم و آموزش رشته‌های بسیار متنوع و مختلفی را در ساحت‌های مختلف «دینی» و «غیر دینی» گرد هم آورده بود.

فصل واپسین، «نهادهای علمی در دوره‌ی فاطمیان»، به بررسی تلاش‌های علمی در دولت فاطمی با توجه به افول سیاسی آن می‌پردازد. «ریشه‌دار بودن سنت‌های تعلیمی فاطمیان» را می‌توان با توجه به تلاش برای بقای دارالعلم و ایجاد رصدخانه‌ای سنجید که حتی در روزگار انحلال نظامی و سیاسی دولت ادامه پیدا کرد. این فصل همچنین طیف گسترده‌ی علایق عقلانی امامان فاطمی را، که گواه آن مجموعه‌ی عظیم کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های قصرهای فاطمی است، برجسته می‌سازد.

خلافت فاطمی

نویسنده‌ای فعالیت‌های عقلانی اسماعیلیان در دوره‌ی فاطمی را با نمونه‌ی مشابه آن در اروپای قرن هجدهم قیاس کرده است.^۱ این نکته بدون شک باعث می‌شود خواننده از خود بپرسد که چه چیزی باعث شکوفایی زندگی عقلانی در میان فاطمیان شده است؟

تاریخ اسماعیلیان را می‌توان تبلور و عینیت یک واکنش و پاسخ، در میان سایر واکنش‌ها، نسبت به پیام الهی و وحی نبوی دانست.^۲ هر چند در سنت‌های خود جامعه‌ی اسماعیلی رویکردها و عقایدی را که مشخصه‌ی اسماعیلیان هستند می‌تواند تا زمان حیات خود پیامبر دنبال کرد، نام «اسماعیلی» در قرن‌های بعد برای آن عده از پیروان امام جعفر صادق به کار می‌رفت «که به سلسله‌ی فرزندان او از طریق پسر بزرگ‌تر و وارث منصوص او، امام اسماعیل وفادار ماندند.»^۳

چهار امام پس از امام اسماعیل شبکه‌ی پیچیده‌ای از کارگزاران و فرستادگان را شکل دادند که بعداً به عنوان دستگاه «دعوت» شناخته شد. این جنبش راه را برای ایجاد خلافت فاطمی در اوایل قرن دهم میلادی در شمال آفریقا در زمان امام مهدی هموار کرد.

^۱ کنراد، م. مقاله‌ی «فاطمیان» در دایرة المعارف اسلام، ویرایش تازه، ج. ۲، ص ۸۶۱. (قرن هجدهم یکی از پرمهرترین دوره‌های فعالیت عقلانی در اروپا به شمار می‌رود. مشخصه‌ی این دوره، همان «روشنگری» است — که جنبشی عقلانی بود که الهام‌بخش تحولاتی شگرف در فلسفه، هنر و سیاست شد.)

^۲ اسماعیل، ع. و نانجی، ع. «اسماعیلیان در تاریخ»، در «سهم اسماعیلیان در فرهنگ اسلامی» ویراسته‌ی س. ح. نصر، تهران ۱۹۷۷، ص. ۲۲۷ (متن انگلیسی).

^۳ همان، ص. ۲۳۱ (متن انگلیسی).

خلافت فاطمی در طول حاکمیت چهار خلیفه و امام اول فاطمی یعنی مهدی، قائم، منصور و معز در شمال آفریقا باقی ماند و این دوره ۶۴ سال از سال ۹۰۹ میلادی تا ۹۷۳ میلادی به طول انجامید. فاطمیان در طی این دوره یک ارتش قوی و نیروی دریایی قدرت‌مندی را تشکیل دادند.^۴ امام مهدی و امام منصور، به ترتیب، شهرهای مهدیه در ساحل تونس و منصوریه را در جنوب قیروان تأسیس کردند که نام این دو شهر از نام آن‌ها برگرفته شده است.^۵

«...مهدی شخصاً به تونس رفت؛ او از کارتاژ و سایر جاها دیدن کرد و کل ساحل را پیمود تا در کناره‌ی دریا جای مناسبی را برای ساختن شهری پیدا کند که برای خود و پسرانش جای آسایش‌ناپذیری باشد... او مدت زیادی به جست‌وجوی خود ادامه داد و جای بهتری از مکانی که امروز مهدیه در آن واقع است پیدا نکرد. در نتیجه، در همان مکان شهر را ساخت و آن را تبدیل به پایتخت خود کرد»^۶

شهر مهدیه، شهری بود دارای قصرهایی که محل اقامت خاندان سلطنتی و همچنین پایگاه دستگاه اداری و نیروی دریایی بود.^۷ هنوز می‌توان نشانه‌های عظمت فاطمیان را در این شهر دید از جمله مسجدی که امام مهدی برای خود ساخت که در دهه‌ی ۱۹۶۰ مرمت شده است. در طی حاکمیت امام منصور، پایتخت فاطمیان از مهدیه به منصوریه منتقل شد که بعداً تبدیل به الگویی برای شهر قاهره شد.^۸

در سال ۹۶۹ میلادی، امام معز «که خود طراحی برجسته، مدیری با کفایت و دولت‌مردی سخت هوشمند در امور دیپلماسی بود»^۹ با کمک سردار خود جوهر، مصر را به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز تصرف کرد. جوهر، در خلافت فاطمیان، فرمان‌داری مصر را از سال ۹۶۹ تا ۹۷۳ میلادی به عهده داشت.^{۱۰} در این دوره بود که ساخت شهر جدید قاهره آغاز شد

^۴ کنراد، ص ۸۵۴ (متن انگلیسی).

^۵ هالم، هایتس، «فاطمیان و سنت‌های تعلیمی آن‌ها، لندن»، ۱۹۷۷، صص ۱۳-۱۲ (متن انگلیسی).

^۶ هالم، هایتس، «امپراتوری مهدی: طلوع فاطمیان»، لایدن، ۱۹۹۶، ص. ۲۱۴ (متن انگلیسی).

^۷ همان، ص. ۲۱۵ (متن انگلیسی).

^۸ هالم، ۱۹۹۷؛ صص. ۱۳-۱۲، (متن انگلیسی).

^۹ دفتری، ف. «تاریخ و عقاید اسماعیلیه»، کیمبریج، ۱۹۹۰، ص. ۱۶۹ (متن انگلیسی).

^{۱۰} هالم، ۱۹۹۶، ص. ۴۱۴ (متن انگلیسی).

و در ۹۷۰ میلادی مسجد الازهر بنیان گذاشته شد. در همین زمان بود که دو شهر مقدس مکه و مدینه تحت حاکمیت فاطمیان قرار گرفتند. امام خود در سال ۹۷۳ میلادی وارد قاهره شد.

«تمام هیأت‌هایی که به استقبال او رفته بودند، به همراه پسران، برادران و عموهای‌اش و سایر اولاد مهدی به همراه او وارد شهر شدند؛ او تابوت نیاکان خود، مهدی، قائم و منصور را نیز با خود به قاهره آورد...»^{۱۱}

توصیفی که استنلی لین-پول از امام معز می‌کند، می‌تواند به درک بهتر حکومت موفقیت‌آمیز او کمک کند:

«شهریاری و دولتمردی صفتی مادرزاد در او بود. او قادر بود شرایط موفقیت را درک کرده و در هر لحظه‌ای از آن به سود خود استفاده کند. او فردی بود بسیار فرهیخته و دانش‌آموخته که نه تنها به عربی شعر می‌گفت و از ادبیات آن سخت لذت می‌برد، بلکه یونانی نیز خوانده بود و بر گویش‌های بربر و سودانی نیز تسلط داشت و حتی می‌گویند که خود زبان سالوئی را نیز آموخته بود... بلاغت و فصاحت او تا حدی بود که اشک در دیدگان مخاطبان خود می‌نشاند. او علاوه بر حکمرانی دوراندیشانه، فردی صاحب سخاوت بسیار بود و عشق او به عدالت در شمار ویژگی‌های ممتاز او بود.»^{۱۲}

در عین این‌که دوره‌ی فاطمی باعث رونق یافتن تجارت، پیشرفت‌های کشاورزی و ثبات سیاسی در مصر شد و زمینه‌های دیگری از متأثر از فرمانروایی آن‌ها بود، این «سپهر زندگی عقلانی و فکری بود که گویا درخشان‌ترین و برجسته‌ترین دستیافت فاطمیان بود.»^{۱۳}

سنت‌های عقلانی در مصر فاطمی

^{۱۱} همان، ص. ۴۲۰، (متن انگلیسی).

^{۱۲} پول، س. «تاریخ مصر در سده‌های میانه»، لندن، ۱۹۱۴، ص. ۹۹ (متن انگلیسی).

^{۱۳} اسماعیل و نانچی، ص. ۲۳۷ (متن انگلیسی).

در تفسیر شیعی از اسلام و به ویژه در طریقه‌ی اسماعیلی، اهمیت فراوانی به دانش داده می‌شود. پشتیبانی فاطمیان از دانش نمادی از این اهمیت بود. علاوه بر این، در عقاید و الهیات شیعه این اعتقاد هست که امام واحد یک «علم» خاص است که به واسطه‌ی آن کلام وحی را برای پیروانش تفسیر می‌کند. این پیوند تنگاتنگ میان جایگاه امام و دانش انگیزه‌ای معنوی برای تشویق زندگی عقلانی بود. فاطمیان از طریق جنبشی با عقاید عقلانی پیچیده‌ای روی کار آمدند. رابطه‌ی تنگاتنگ میان فاطمیان و دستگاه دعوت اسماعیلی محرک و انگیزه‌ی دیگری برای تعلیم و نشر دانش بود. علاوه بر این، فاطمیان در رهبری مسلمانان با عباسیان رقابت داشتند. بخشی از این رقابت در حمایتی بود که از بهترین دانشوران جامعه‌های مسلمان می‌کردند. بدین سان، رقابت آن‌ها با عباسیان و همچنین حاکمان اموی اسپانیا دلیل دیگری برای حمایت‌شان از کوشش‌های عقلانی بود.

مسجد الازهر تبدیل به مرکز اصلی علم‌آموزی در قاهره‌ی فاطمی شد. نویسندگان در این دیدگاه رایج تشکیک می‌کند که الازهر مرکز تعلیم دعوت اسماعیلی بوده است. در عوض، او مدعی است که الازهر مکانی بود برای تدریس معنای ظاهری شریعت بر حسب تفسیر اسماعیلی آن.^{۱۴} این جلسات به روی همگان باز بود، از جمله به روی زنان. معنای باطنی شریعت در «مجالس الحکمه» توضیح داده می‌شد که در قصر امام برگزار می‌شد. این جلسات تنها به روی کسانی باز بود که «به آیین اسماعیلی مشرف شده بودند و پیشاپیش سوگند وفاداری به امام یاد کرده بودند».^{۱۵} تمام این سخنرانی‌های برگزار شده در مجالس الحکمه قبل از القاء از نظر امام گذشته و توسط او تصویب می‌شدند. این جلسات تنها به منظور آموزش نبودند بلکه مقامی برای عرضه‌ی نذورات و خیرات نیز بودند.^{۱۶}

دار العلم را امام حاکم در سال ۱۰۰۵ میلادی تأسیس کرد. گسترده‌ی رشته‌ها و درس‌هایی که در آنجا تدریس می‌شدند، مشخصه‌ی منحصر به فرد آن بود و باعث می‌شد در میان سایر نهادهای علمی زمان خود نهادی ممتاز و برجسته باشد. امکانات دار العلم در دسترس همه‌ی مردم بود. «... سخنرانی‌های توسط قاریان قرآن، ستاره‌شناسان، علمای صرف و نحو، لغت‌شناسان و همچنین پزشکان القاء می‌شد».^{۱۷}

^{۱۴} هالم، ۱۹۹۷، ص. ۴۱ (متن انگلیسی).

^{۱۵} همان، ص. ۴۵ (متن انگلیسی).

^{۱۶} همان، ص. ۴۶ (متن انگلیسی).

^{۱۷} همان، ص. ۷۳ (متن انگلیسی).

فعالیت علمی فوق‌العاده‌ای نیز در دوره‌ی فاطمیان جریان داشت. این فعالیت‌ها را به بهترین نحوی می‌توان در زندگی ابن هیثم مشاهده کرد. ابن هیثم در بصره (عراق فعلی) در سال ۹۶۵ میلادی به دنیا آمده بود. او دانشمندی متضلع بود و در تمام رشته‌های علمی زمان خود استاد به شمار می‌رفت. امام حاکم او را به قاهره دعوت کرد تا کار ساخت یک سد به روی رودخانه‌ی نیل را انجام دهد. این طرح به سرانجام نرسید، اما ابن هیثم در همین زمان شروع به تصنیف آثاری در زمینه‌های فیزیک، فلسفه، ستاره‌شناسی، ریاضیات و پزشکی کرد و از جمله بزرگترین کتاب خود یعنی «کتاب المناظر» را در این دوره نوشت. ابن هیثم در این کتاب نظریه‌های اقلیدس و بطلمیوس را که معتقد بودند اشعه‌ی نوری از چشم صادر شد و به اشیاء می‌خورد تا باعث رؤیت آن‌ها شود، رد کرد و می‌گفت که شکل شیء رویت شده از طریق یک عدسی شفاف در چشم آدمی نقش می‌بندد. صحت این نظریه را چندین قرن بعد دانشمندان اروپایی بررسی کردند.

سازمان دعوت

اسماعیلیان همچون سایر نحله‌های شیعه بر این باور بودند که دانش و حکمت معنوی از طریق پیامبران بر انسان‌های آشکار می‌شود و آن‌ها قوانین شریعت را به انسان‌ها منتقل می‌کنند. از آن پس، این دانش از طریق امامان منتقل می‌شود که همیشه حاضر هستند تا معنای باطنی شریعت را در اختیار آدمیان بگذارند.^{۱۸} «بر اساس همین «علم» برتر امام علوی بود که شیعیان او را تنها ابزار و واسطه‌ای می‌دانستند که اسباب تحقق غرض الهی بر روی زمین می‌شود.»^{۱۹}

اما از آثار دانشمندان اسماعیلی می‌توان دریافت که اصل دریافت علم از امامان باعث طرد و نفی استفاده از قوای استدلالی و عقلانی نزد مؤمنان نیست. به این ترتیب، پذیرفتن ولایت امامان فرمان‌برداری و متابعت کورکورانه نیست بلکه بر مبنای استدلال و خرد انسانی است که محدودیت‌های خود را در کشف رازهای معنوی درک می‌کند و به این ترتیب در پی درک آن‌ها از طریق وساطت امام است. به این ترتیب، داد و ستد میان عقل و ولایت معنوی مبنای تاریخ عقلانی اسماعیلیان است.

امام از شبکه‌ای از داعیان به رهبری یک داعی الدعات استفاده می‌کرد تا «مردم را به پیروزی از امام دعوت کنند و به کسانی که به دعوت لبیک می‌گویند تعلیم حکمت بدهند.»^{۲۰}

^{۱۸} همان، ص. ۱۷ (متن انگلیسی).

^{۱۹} اسماعیل و نانچی، ص. ۲۳۸ (متن انگلیسی).

^{۲۰} هالم، ۱۹۹۷، ص. ۱۸ (متن انگلیسی).

داعی احمد النیسابوری شرح مفصل و جامعی از استعدادها، ویژگی‌ها و صفاتی را که یک داعی نمونه داراست به دست می‌دهد:

«... ویژگی‌های یک فقیه مبرز... عبارت‌اند از صبر، آموزش نظری خوب، هوشمندی، بینش روان‌شناسانه، صداقت، صفات اخلاقی ستوده، داوری درست... اراده‌ی قوی، سخاوت، استعداد مدیریتی، مهارت و بردباری... درست‌کاری و قابل اعتماد بودن است... و این‌که هر لحظه آماده‌ی فدا کردن جان و همه چیز خود در راه دین باشد.»^{۲۱}

داعی نه تنها می‌بایست در «علوم قرآن، تفسیر قرآن، احادیث و روایت پیامبر، قصص پیامبران و تأویل اسماعیلی این نوشته‌ها» استاد باشد، بلکه به همان اندازه می‌بایستی در زمینه‌ی «منطق و فلسفه، تاریخ و جغرافیا» نیز دانش‌مند باشد.^{۲۲}

داعیان شیوه‌های خاصی داشتند که هنگام تبلیغ دین از آن‌ها استفاده می‌کردند. چنان‌که در «کتاب العالم و الغلام»^{۲۳} آمده است، این شیوه شامل یافتن یک پیرو لایق، ادای سوگند رازداری و آشنا ساختن مرحله به مرحله‌ی او با حکمت بود.

منابع موجود به ما می‌گویند که داعیان مثال‌ها، تشبیه‌ها و استدلال‌های خود را به فراخور ظرفیت مخاطبان خود انتخاب می‌کردند. لذا، در وصف یک داعی آمده است که:

«برای صنعت‌گر از صنعت و پیشه‌ی خود او سخن می‌گفت؛ مثلاً، برای خیاط، از سوزن و نخ و انگشتانه و قیچی سخن می‌گفت؛ برای چوپان از عصا و جبه و گله و خورجین سخن می‌گفت.»^{۲۴}

به این ترتیب، داعیان از یک اصل آموزشی که در قرآن نیز آمده است پیروی می‌کند که در خلال آن از پیامبر خواسته می‌شود که با هر کسی بر حسب توانایی و وسع او سخن بگوید.

^{۲۱} نقل شده در کتاب هالم، ۱۹۹۷، ص. ۶۳ (متن انگلیسی).

^{۲۲} همان، ص. ۶۴.

^{۲۳} جعفر بن منصور الیمن، «کتاب العالم و الغلام» تصحیح و ترجمه‌ی انگلیسی جیمز موریس، لندن ۲۰۰۱.

^{۲۴} هالم، ۱۹۹۷، ص. ۲۷ (متن انگلیسی).

نتیجه

سنت‌های تعلیمی و آموزشی دوره‌ی فاطمیان را باید به منزله‌ی بخشی مهم از سنت‌های عقلانی اسلام دید. از یک سو، آن‌ها مشترکات بسیاری با سایر جامعه‌های مسلمان در امر علم‌آموزی داشتند. از سوی دیگر، رهیافت فاطمیان به دانش ویژگی‌های ممتازی نیز داشت که برخاسته از شرایط اجتماعی-سیاسی خاص زمان‌شان و همچنین جایگاه امام در الهیات شیعه به عنوان مرجع نهایی در علم دینی بود. این ویژگی‌های ممتاز سازمان دعوت و همچنین تأکید بر باطن و تأویل و بسیاری نکات دیگر را در بر می‌گرفت.^{۲۵}

زندگی عقلانی دوره‌ی فاطمیان، به همراه این سنت‌هایی از این دست در سایر دوره‌های تاریخ اسماعیلیه، گواهی آشکار است بر این‌که اسماعیلیه رهیافتی متوازن و منسجم نسبت به عقل و دین داشته است. دوره‌ی فاطمیان با تنوع شجاعانه‌اش در کوشش‌های عقلانی، دوره‌ای است که بارقه‌ی امیدی است در زمانی که نیاز به ارج نهادن به تنوع رهیافت‌های عقلانی شاید بیش از هر زمان دیگری لازم است. چنان‌که این کتاب نشان می‌دهد، اندیشمندان دوره‌ی فاطمی به جدی‌ترین مسایل زمان خود می‌پرداختند و از پیشرفته‌ترین اشکال اندیشه‌ای که در اختیار آن‌ها بود برای این امر استفاده می‌کردند. این روحیه‌ی جسورانه‌ای در قبال مسایلی که پیش روی جامعه بود خود شکل دیگری از الهامی است که دوره‌ی فاطمی را برای زمان ما معنادار می‌کند.

برای خواننده شاید خوب باشد که هنگامی که قصد خواندن کتاب را می‌کند، درباره‌ی فرمانی از مولانا حاضر امام تأمل کند:

«دوره‌ی فاطمی در تاریخ ما، نشانی مهم از رویکردی است که درخور قرن بیستم و بیست و یکم است. در دوره‌ی فاطمی، عقل نقشی مهم در جامعه ایفا می‌کرد. در دوره‌ی فاطمی، رابطه‌ی میان یک طریقه‌ی اسلام و طریقه‌ای دیگر گرم و صمیمی و تحسین‌آمیز بود. در این دوره، مسلمان‌ها و غیر مسلمان‌ها در کنار هم با رضایت زندگی و کار می‌کردند. بنابراین، از دوره‌ی فاطمی در تاریخ ما بسا چیزها می‌توان آموخت. این درس‌ها امروز نیز به اندازه‌ی همان دوران صادق هستند.» (لندن، ۱۴ آگست، ۱۹۹۴)

^{۲۵} اسماعیلیان به همراه بعضی دیگر از مذاهب اسلامی، قرآن را دارای لایه‌های معنایی متعدد می‌دانستند. باور آن‌ها این بود که یکایک آیات قرآن در سطوح مختلفی معنایی دارند. از طریق تأویل این معانی آشکار می‌شوند.

شرمینه موانی

برنامه‌ی تحصیلات تکمیلی

مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی

فرید پنجوانی

بخش آموزش و بخش هماهنگ‌کننده‌ی «انجمن‌های تعلیم و تربیت دینی و طریقه‌ی اسماعیلی» و

مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی

مؤسسه‌ی مطالعات اسماعیلی